



قلب ما

متی ۵:۳

کسانی که قلباً فروتن هستند، اجازه دارند تا وارد پادشاهی خدا شوند. راههای متفاوتی برای نگاه کردن به فروتنی وجود دارد. ما امروز بطور مخصوص به احوال قلبیمان نگاهی می اندازیم. وضعیت قلب ما از نظر عیسی بسیار مهم است. آن فروتنی که عیسی منظور است، همانی است که در زندگی خودش دیده می شود. با اینکه عیسی فروتن است ولی درباره خودش و جایگاهش، بطور واضح سخن میگوید. این را در مثالهای آتی بخوانید.

پطرس فکر میکند عیسی کیست؟ آیا عیسی آنرا تأیید میکند؟

متی ۱۶:۱۶، ۱۷

عیسی حقیقتاً ایمان دارد که پسر خدا است. این چیز کمی نیست. عیسی واقعاً منزلت خاصی دارد. با این وجود او خوب میدانند که جایگاهش کجاست. او کاملاً به خدای پدر اعتماد دارد.

یوحنا ۵:۱۹

قلب عیسی فروتن است. او به آنچه که هست، مغرور نیست. او قوت و حکمت را از پدر دریافت میکند. برای پذیرش این وابستگی باید فروتن بود. به عبارتی دیگر: وابستگی داوطلبانه. عیسی به موقعیت، قدرت و دانسته هایش تکیه نکرد. او در برابر همگان اذعان داشت که همه آنها از طرف پدر می آیند. عیسی حتی از این هم فراتر می رود.

عیسی درباره رفتارش چه میگوید؟

فیلیپیان ۲:۶-۹

عیسی از ذات الهی اش فاصله گرفت و انسان شد. او انتخاب کرد که خود را فروتن سازد و آماده بود که برای ما جان دهد.

ثمره

لوقا ۶:۴۳-۴۵، امثال ۴:۲۳

دهان از چه پر میشود؟

متی ۷:۱۵-۲۰

مل برای چه باید هوشیار باشیم؟

عیسی با شاگردانش درباره ثمره آوردن صحبت میکند. چه میوه ای در زندگیتان مبینید و این میوه چگونه بوجود آمده؟ عیسی صریحاً درباره قلب صحبت می کند. قلب مکانی است که در آن میوه زندگیمان بعمل می


آید. اگر قلب شما از عیسی پر است، آن در کردار و گفتارتان حتماً دیده و شنیده خواهد شد. عیسی در مورد مردمی که درباره خدا صحبت میکنند و خودشان به آن روش زندگی نمی کنند، هشدار می دهد. پس این بسیار مهم است که از خودمان بپرسیم چه کسی در زندگیمان تاثیر گذار است. چه شخصی را در قلبمان راه میدهم؟ و یا، به چه کسی ایمان داریم؟

کدام دو چیز در نجات ما همکاری میکنند؟

رومیان ۱۰: ۸-۱۰



لوقا ۲: ۴۶-۴۹، لوقا ۴: ۱۶

عیسی به عنوان یک نوجوان مشتاق آن بود که بیشتر بیاموزد. از آنجایی که قلب فروتنی داشت، میدانست که به آموختن نیاز دارد. او میخواست پدر را بشناسد و برای آن تلاشش را کرد. او میخواست قلبش شکل داده شود. قلب او برای آموختن باز بود. همین امر برای ما نیز لازم است. آیا ما به اندازه کافی برای یاد گیری از خدا فروتن هستیم؟ آیا ما میخواهیم که قلبمان بوسیله کلام او شکل داده شود؟  سعی کنید به اعماق قلبتان نگاه کنید، شما به چه کسی میخواهید گوش دهید؟ چه کسی اجازه دارد قلب شما را شکل دهد؟ آیا خدا اجازه آنرا داد؟ یا فکر میکنید که خودتان همه چیز را میدانید؟ یا آیا فلسفه ها، دوستان و غیره، هستند که تعیین میکنند شما به چه چیز ایمان داشته باشید و چه ثمره ای بیاورید؟

بذر

ما همه میدانیم که اگر هسته سیب را در خاک بکاریم، پس از مدتی یک درخت سیب روییده خواهد شد. از این درخت سیب، سیب میروید. هیچ کس با دیدن آن تعجب نمیکند. عیسی میخواست قبل از مرگش درس بسیار مهم دیگری از فروتنی به شاگردانش بیاموزد.

عیسی در آیه ۱۷ چه گفت؟

یوحنا ۱۳: ۱-۱۷



عیسی انتخاب میکند که پایهای شاگردانش را بشوید. او که به آنها هر چیزی را که از پدرش یاد گرفته بود، آموخته بود، مثال دیگری را بجا گذاشت.

کار خدا در قلب شما

آیا این امکان هست که شما بتوانید عوض شوید؟ اگر مغرورید و فکر می کنید که همه چیز را خوب می دانید، چطور امکان دارد که یکمرتبه فروتن شوید؟ آیا باید سخت تلاشتان را بکنید؟ بله و خیر! قلب منشا همه چیز است. عیسی است که میخواهد با روحش در آنجا زندگی کند. این عیسی روح فروتنی را در خود دارد. او مانند بذری است که در قلب شما می آید. قلب شما زمینی است که بذر در آن فرود می آید. ثمره فروتنی او در شما میشکفتد و رشد میکند. شما برای آن باید انتخاب کنید. این شما هستید که انتخاب میکنید چه کسی در قلبتان بیاید. و شما باید که تعیین میکنید چه کسی با شما سخن بگوید و به چه کسی گوش فرا دهید. قلب شما مکان زندگی جدیدی است که عیسی میخواهد به شما ببخشد.

او قلبی را میخواهد که فروتن است و میگوید: «من به تو اعتماد دارم، خودم به تنهایی نمی توانم، لطفاً این را در من مباد بیاور؟ من تو را بعنوان پادشاه در زندگیم میخواهم، میخواهم تو را پیروی کنم.»

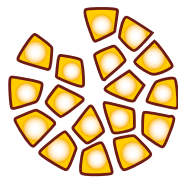
برای گروه

زمانی که تازه مسیحی شده بودم، عیسی در باره فروتنی با قلبم سخن گفت. روزی برای گروهی چیزی تعریف کرده بودم که واقعاً اتفاق نیافتاده بود. روح خدا به خاطر آورد که گفته هایم حقیقت ندارد. تا آن زمان من طوری برخورد میکردم که انگار هیچ اتفاقی نیافتاده. هیچ کس اطلاعی نداشت. اما اینبار روح خدا من را ملزم کرد تا اعتراف کنم که آنچه تعریف کرده ام حقیقت کامل نبوده. من میتوانستم انتخاب کنم که میوه فروتنی را در قلبم رشد دهم و همچنین میتوانستم انتخاب کنم که به رفتار قبلی ام ادامه دهم. من برای اولی انتخاب کردم و به گروه اعتراف کردم که داستان با آنچه من تعریف کرده بودم فرق داشت.

تکلیف

اگر واقعاً میخواهید در پادشاهی زندگی کنید، طرز برخورد شما بسیار تعیین کننده است. شما میتوانید امروز انتخاب کنید که عیسی را با قلبی فروتن پیروی کنید. از او بخواهید که اینرا در قلب شما بکارد.

با مربیتان درباره اینکه الان چه قسمتهایی از قلبتان در حال شکوفاییست، صحبت کنید. کجا ثمرات پیروی از عیسی را می بینید. تعریف کنید که دید شما از فروتنی چیست. آیا کم کم دریافته اید که چه کسی هستید؟ و از چه کسی میخواهید بیاموزید؟



آیات

متی ۵: ۳

۳ خوشباه حال فقیران در روح زیرا پادشاهی آسمان از آن ایشان است.

متی ۱۶: ۱۶ و ۱۷

۱۶ شمعون پطرس پاسخ داد: «تویی مسیح، پسر خدای زنده!»
۱۷ عیسی گفت: «خوشباه حال تو، ای شمعون، پسر یونا! زیرا این حقیقت را جسم و خون بر تو آشکار نکرد، بلکه پدر من که در آسمان است.

رومان ۸: ۱۰-۱۰

۸ و در مقابل، چه میگوید؟ اینکه «این کلام نزدیک تو، در دهان تو، و در دل توست.» این همان کلام ایمان است که ما و عظ
میکنیم،
۹ که اگر به زبان خود اعتراف کنی «عیسی خداوند است» و در
دل خود ایمان داشته باشی که خدا او را از مردگان برخیزانید،
نجات خواهی یافت.
۱۰ زیرا در دل است که شخص ایمان میآورد و پارسا شمرده
میشود، و با زبان است که اعتراف میکند و نجات مییابد.

یوحنا ۵: ۱۹

۱۹ پاسخ عیسی چنین بود: «آمین، آمین، به شما میگویم که پسر
از خود کاری نمیتواند کرد مگر کارهایی که میبیند پدرش انجام
میدهد؛ زیرا هرچه پدر میکند، پسر نیز میکند.

فیلیپان ۲: ۶-۹

۶ او که همذات با خدا بود، از برابری با خدا به نفع خود بهره
نجست،
۷ بلکه خود را خالی کرد و ذات غلام پذیرفته، به شباهت آدمیان
درآمد.
۸ و چون در سیمای بشری یافت شد خود را خوار ساخت و تا به
مرگ، حتی مرگ بر صلیب مطیع گردید.
۹ پس خدا نیز او را به غایت سرافراز کرد و نامی برتر از همه
نامها بدو بخشید،

لوقا ۲: ۴۶-۴۹

۴۶ پس از سه روز، سرانجام او را در معبد یافتند. در میان
معلمان نشسته بود و به سخنان ایشان گوش فرا میداد و از آنها
پرسشها میکرد.
۴۷ هر که سخنان او را میشنید، از فهم او و پاسخهایی که میداد،
در شگفت میشد. چون والدینش او را در آنجا دیدند، شگفت زده
شدند.
۴۸ مادرش به او گفت: «پسرم، چرا با ما چنین کردی؟ پدرت و
من با نگرانی بسیار در جستجوی تو بودیم.»
۴۹ اما او در پاسخ گفت: «چرا مرا میجستید؟ مگر نمیدانستید که
میباید در خانه پدرم باشم؟»

لوقا ۶: ۴۳-۴۵

۴۳ هیچ درخت نیکو، میوه بد به بار نمیآورد و هیچ درخت بد،
میوه نیکو نمیدهد
۴۴ هر درختی را از میوه اش میتوان شناخت. نه از بوته خار
میتوان انجیر چید، و نه از بوته تمشک، انگور!
۴۵ شخص نیک از خزانه نیکوی دل خود نیکویی برمیآورد، و
شخص بد از خزانه بد دل خود، بدی. زیرا زبان از آنچه دل از
آن لبریز است، سخن میگوید.

لوقا ۴: ۱۶

۱۶ پس به شهر ناصره که در آن پرورش یافته بود، رفت و در
روز شبات، طبق معمول به کنیسه درآمد. و برخاست تا تلاوت
کند.

امثال ۴: ۲۳

۲۳ دل خود را به حفظ تمام نگاه دار، زیرا که مخرجهای حیات
از آن است.

متی ۷: ۱۵-۲۰

۱۵ از پیامبران دروغین برحذر باشید. آنان در لباس گوسفندان
نزد شما میآیند، اما در باطن گرگان درنده اند.
۱۶ آنها را از میوه هایشان خواهید شناخت. آیا انگور را از بوته
خار و انجیر را از علف هرز میچینند؟

- ۱ پیش از عید پسخ، عیسی با آگاهی از اینکه ساعت گذار او از این جهان به نزد پدر فرارسیده است، کسان خود را که در این جهان دوست میداشت، تا به حد کمال محبت کرد.
- ۲ هنگام شام بود. ابلیس پیشتر در دل یهودای اسخریوطی، پسر شمعون، نهاده بود که عیسی را تسلیم دشمن کند.
- ۳ عیسی که میدانست پدر همه چیز را به دست او سپرده است و از نزد خدا آمده و به نزد او میرود
- ۴ از شام برخاست و خرقة از تن بهدر آورد و حولهای برگرفته، به کمر بست
- ۵ سپس آب در لگنی ریخت و شروع به شستن پاهای شاگردان و خشک کردن آنها با حولهای کرد که به کمر داشت
- ۶ چون به شمعون پطرس رسید، او وی را گفت: «سرور من، آیا تو میخواهی پای مرا بشویی؟»
- ۷ عیسی پاسخ داد: «اکنون از درک آنچه میکنم ناتوانی، اما بعد خواهی فهمید.»
- ۸ پطرس به او گفت: «پاهای مرا هرگز نخواهی شست!»
- ۹ عیسی پاسخ داد: «تا تو را نشویم سهمی با من نخواهی داشت.» پس شمعون پطرس گفت: «سرور من، نه تنها پاهایم، که دستها و سرم را نیز بشوی!»
- ۱۰ عیسی پاسخ داد: «آن که استحمام کرده، سراپا پاکیزه است و به شستن نیاز ندارد، مگر پاهایش. باری، شما پاکید، اما نه همه.
- ۱۱ زیرا میدانست چه کسی او را تسلیم دشمن خواهد کرد، و از همینرو گفت: «همه شما پاک نیستید.»
- ۱۲ پس از آنکه عیسی پاهای ایشان را شست، خرقة بر تن کرد و باز بر سفره شام نشست. آنگاه از ایشان پرسید: «آیا دریافتید آنچه برایتان کردم؟»
- ۱۳ شما مرا استاد و سرورتان میخوانید و درست هم میگویید، زیرا چنین هستم.
- ۱۴ پس اگر من که سرور و استاد شمایم پاهای شما را شستم، شما نیز باید پاهای یکدیگر را بشوید.
- ۱۵ من با این کار، سرمشقی به شما دادم تا شما نیز همانگونه رفتار کنید که من با شما کردم.
- ۱۶ آمین، آمین، به شما میگویم، نه غلام از ارباب خود بزرگتر است، نه فرستاده از فرستنده خود.
- ۱۷ اکنون که اینها را میدانید، خوشابهالتان اگر بدانها

